

در خصلت نمائی

و ما فتیسیسم اقتصادی

و. ای. لنین

910.6

81.25

درخصلت نمائی و ماتیسیسم اقتصادی

۱.۹ ی. لنین

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com

فهرست

- ۱ - درباره تاریخچه نگارش و انتشار کتاب صفحه ۹
- ۲ - در خصلت نمائی رمانتیسیم اقتصادی (سیمونندی و سیموندیستهای وطنی) " ۱۱
- ۳ - فصل اول : تئوریهای اقتصادی رمانتیسیم " ۱۳
- ۴ - یکم - آیا بازار داخلی به علت ورشکستگی مولد بین خرده پاتنگ میشود ؟ " ۱۴
- ۵ - دوم - نظریات سیمونندی در مورد درآمد ملی و سپر مایه " ۲۰
- ۶ - سوم - استنتاجات سیمونندی از آموزش اشتباه آمیز و جزه سالانه در جامعه سرمایه داری " ۲۶
- ۷ - چهارم - اشتباه آموزشهای آدام اسمیت و سیمونندی در مورد درآمد ملی در چیست ؟ " ۳۱
- ۸ - پنجم - انباشت در جامعه سرمایه داری " ۳۶
- ۹ - ششم - بازار خارجی بحسابنامه " راه خروج از مشکلات " در تحقق اضافه ارزش " " ۴۴
- ۱۰ - هفتم - بحران " ۵۰
- ۱۱ - هشتم - بهره سرمایه داری و سرریز جمعیت سرمایه داری " ۵۹

۷۰	صفحه	۱۲ - نهم - مایشین در جامعه سرمایه داری
۷۹	"	۱۳ - دهم - حمایت گمرکسی
		۱۴ - یازدهم - اهمیت عمومی سیسفونندی در تاریخ
۸۷	"	اقتصاد سیاسی
		۱۵ - فصل دوم - خصلت انتقاد رمانتیستی
۹۸	"	یسه سرمایه داری
۹۹	"	۱۶ - یک - انتقاد احساساتی به سرمایه داری
۱۱۱	"	۱۷ - دوم - خصلت خرده بورژوازی رمانتیسم
		۱۸ - سوم - مسئله رشد جمعیت صنعتی به ضرر
۱۱۷	"	جمعیت کشاورزی
۱۲۴	"	۱۹ - چهارم - آرزوهای عملی رمانتیست ها
۱۳۲	"	۲۰ - پنجم - خصلت ارتجاعی رمانتیسم
		۲۱ - ششم - مسئله گمرکات غله در انگلستان در ارزیابی
۱۴۷	"	رمانتیسم و تنش سوزی علمی
۱۶۱	"	۲۲ - الف - توضیحات و حسابهای
۱۶۸	"	۲۳ - فهرست ترجمه برخی تازه ها



W. I. LENIN
1897

و. ای. لنین

www.KetabFarsi.com

Новое Слово Журналъ

НАУЧНО ЛИТЕРАТУРНЫЙ
ПОЛІТИЧЕСКІЙ

ГОДЪ II. КН. 7.

АПРѢЛЬ 1897.

طرح روی جلد مجله "سخن نوین"
که در آن مقاله و.ا. لنین "در خصت نطائی رسانتیمیسیم
اقتصادی" در سال ۱۸۹۷ برای نخستین بار انتشار یافت.

www.KetabFarsi.com

در باره تاریخچه نگارش و انتشار کتاب

لنین "در خصیلت‌نمائی رمانیسیسم اقتصادی" را در بهار ۱۸۹۷ هنگامی که در تبعید بسر میبرد، به رشته تحریر در آورد. در همان سال این اثر در چهار شماره "مسائل نشریه"

(سخن نویین - شماره های هفتم تا دهم - آوریل تا ژوئیه) که یک نشریه ماهانه علمی، ادبی و سیاسی بود، وابتداءً به وسیله نارودنیکی ها و از بهار ۱۸۹۸ ببعده توسط "مارکسیستهای علنی" منتشر میگشت، به امضای مستعار "ک. ت. ن." به چاپ رسید. در اکتبر ۱۸۹۸ این اثر مجدداً در مجموعه "تحلیل‌ها و مقالات اقتصادی" به امضای ولادیمیر ایلین منتشر شد. در سال ۱۹۰۸ لنین این اثر را با تغییراتی در مجموعه "مسئله ارضی" منتشر کرد.

لنین بهنگام انتشار علنی مقاله در رساله‌های ۱۸۹۷ و ۱۸۹۸، خود را مجبور دید به منظور گذار از سانسور تزاری، برای برخی اصطلاحات معادل‌های دیگری را برگزید. مثلاً بجای "تئوری مارکس" یا "تئوری مارکسیسم" اصطلاح جدیدترین تئوری "تئوری نوین" و بجای "مارکس"، "یک اقتصاددان معروف آلمانی" یا "جدیدترین اقتصاددان" بجای "مارکسیست" اصطلاح "رقالیست" و غیره بکار برده شده بود. در چاپ سال ۱۹۰۸ لنین اعظم این اصطلاحات را یاد خود متن تغییر داد و یاد ریاضیاتی اصلاح کرد. ولی با این وجود خواننده بکرات باین اصطلاحات برخورد خواهد کرد.

این اثر از متن آلمانی کلیات آثار لنین جلد ۱۲ برلین آلمان در موکراتیک، بنگاه مطبوعاتی دیتس، (۱۹۷۰) بفارسی برگردانده شده است.

سعی مترجم این بوده، که ترجمه این اثر حتی المقدور دقیق باشد. با این وجود مترجم در بسیاری موارد از ناپختگی جملات ناراضی است، ولی ضرورت ترجمه آثار رهبران جنبش پرولتری در این مرحله از مبارزه طبقاتی میهن ما اینگونه ترجمه‌های دست‌وپاشکنه را نیز ملزم میسازد.

لازم بنده کراست، که مترجم در برخی موارد خود را مجبور دید توضیحاتی بیافزاید. این توضیحات و حواشی همواره با قید "مترجم" مشخص شده اند تا از توضیحات مؤلف کتاب که در ریاضی آورده شده اند یا توضیحات ناشرین کتاب، که با قید "ناشر" مشخص شده اند، تمیز داده شوند.

در یگراینگه در برخی موارد لغتین قول را عیناً بفرانسه نیز آورده است. هر چند که در ترجمه دقیق و کامل این اثر آوردن این قول ها به فرانسه نیز ضروریست، مترجم جز در مواردی که خود را ملزم میدیده از آوردن آنها خودداری کرده است. در پایان مترجم فهرست برخی معادلهائی را که برای ترجمه بکار گرفته آورده است.

انتشارات کمونیسم

www.ketaboo.com

۱۰۱. نین

در خصلت نمائی و ماتیسیم اقتصادی (سیسموندی و سیسموندیستهای وطنی)

در ارتباط با حل مسائل عمومی اقتصادی، که امروزه در روسیه در صد مسائل قرار گرفته اند، بذل توجه ویژه ای به اقتصاددان سوئیدی، سیسموندی (ژان شارل سیسموند و سیسموندی) که در اوایل قرن فعال بوده، ضروریست. اگر اضافه شود که سیسموندی، از آنجا که از جریانات اصلی برکنار بوده، در تاریخ علم اقتصاد موقعیت ویژه ای دارد، و با هواداری آتشین از تولید خرد و پامعترضانه علییه مدافعین و اندیشه ویزان (ایدئولوگ - م) بزرگ کارفرمای موضع میگزینت (همچنانکه نارودنیکی های روسی امروزه علیه آن موضع میگیرند)، خواننده منوجه خواهد شد، که چراما تصمیم گرفته ایم تصویری از آموزش سیسموندی را در خطوط اساسی اثربود ارتباط با دیگر طریقت های علم اقتصاد معاصری و متأخرینست. در همین مطالعه آثار سیسموندی بویژه امروزه از اینرو جالبتر است، که ما در نشریه "روسکویه بوگاتستوا" (Russkoje B) سال پیش، ۱۸۸۶، مقاله ای میابیم، که آن نیزه تشریح آموزش سیسموندی پرداخته است. (ب. افروسی: "نظرات اجتماعی - اقتصادی سیسموند سیسموندی" روسکویه بوگاتستوا: شماره های ۸ و ۷) *

همکار "روسکویه بوگاتستوا" در همان آغاز اظهار میکند، جز در مورد سیسموندی در مورد هیچ نویسنده ای چنین قضاوت نادریستی شده باشد که "بطریقی غیر عادلانه" گاه بعنوان مرتجع و گاه بعنوان پندارگرا قلمداد شده است. واقعیت درست برعکس است. درست همین ارزیابی از سیسموندی کاملاً منطبق و بجاست.

* - افروسی در سال ۱۸۹۷ در گذشت. به همین مناسبت تذکره ای برای وی - شماره ماه مارس ۱۸۹۷ "روسکویه بوگاتستوا" منتشر شده است.

ولی مقاله " روسکویه بوگاتستوا " که بازگوئی مفصل و دقیق سیستموندی است،
ثوری وی را بکلی نادرست * * * حاصلت نمائی میکند ، زیرا نظرات وی سیستموندی را
درست و رنگانی که به نارود نیکی هانزد یک میشود کمال مطلوب جلوه گرمی سازد ، در
حالیکه رابطه وی با جریانات بعدی علم اقتصاد رایانادیده میگیرد ، یا بخلط توضیح
میدهد . از اینروی تشریح و تحلیل ما از آموزش سیستموندی در عین حال نقدی بر
مقاله " افروسی نیز خواهد بود .

* * * - کاملاً درست است که سیستموندی سوسیالیست نبود ، است ، امری که افروسی
در آغاز مقاله با تکرار گفته های لیپرت Lippert بآن اشاره میکند . (رجوع کنید
به " فرهنگ دستی علوم کشوری " - Handbuch d. Staatswissenschaft
جلد پنجم ، مقاله " سیستموندی " ، نوشته لیپرت - صفحه ۶۷۶ .

نورهای اقتصادی زمانیسیم

وجه تمایز ویژه تئوری سیموندی آموزش وی از درآمد، از رابطه درآمد با تولید و با جمعیت میباشد. از همین روی اثر اصلی وی نیز "اصول نوین اقتصاد سیاسی یا درباره ثروت و ارتباطش با جمعیت" عنوان یافته است. (چاپ دوم - پاریس ۱۸۲۷ در دو جلد - چاپ اول در سال ۱۸۱۶ بود). این تم تقریباً مشابه مسئله ایست، که در مطبوعات نارود نیکی های روس تحت عنوان مسئله "بازار داخلی برای سرمایه داری" معروفیت دارد. چه سیموندی مدعی بود، که تکامل بزرگ کارفرمایی و کارمزدوری در صنعت و کشاورزی موجب میشود، که تولید ضرورتاً بر مصرف پیشی گیرد و در برابر مسئله "لاینحل یافتن مصرف کننده قرار گیرد و قادر به یافتن مصرف کننده در خود کشور نشود، زیرا که توده مردم رابه روزمزد ان و کارگران ساده بدل گردد و موجب پیدایش جمعیتی غیرمشتغل میشود، در حالیکه با ورود کشورهای جدید سرمایه داری به عرصه بین المللی یافتن بازار خارجی همواره مشکل نرمی گردد. همانطور که خواننده می بیند، اینها درست همان مسائلی هستند که نارود نیکی های اقتصاددانان ما و در پیشاپیش آنها آقایان و.و. و. و. و. - ان از خود مشغول داشته است. حال دقیق تره اجزاء جداگانه استدلال سیموندی و اهمیت علمی آنها بپردازیم.

آیا بازار داخلی بعثت و رشکستگی مولدین خرده پالتنگا میشود ؟

برخلاف اقتصاددانان کلاسیک که در سیستم های خود یک نظام اجتماعی مبتنی بر سرمایه داری شکل یافته را در نظر داشته و طبقه کارگر را بصورتی موجود و بدیهی فرض میکردند ، سیستموندی درست بیرونده و رشکستگی مولدین خرده پاء ، یعنی روندی که به پیدایش طبقه کارگرانجامید ، تکیه میکند . بی گفتگو سیستموندی با اشاره باین تضاد نظام اجتماعی سرمایه داری امتحاری کسب کرده است ، ولی بحثابه یک اقتصاددان اوقادریه درک این پدیده نشد و عدم توانائی خود را در تحلیلی پیگیر برده " نیات خیر " نوشتانید . بنظر سیستموندی و رشکستگی مولدین خرده پاء لیلی برتنگی بازار داخلی است .

سیسموندی در فصل " چگونه فروشند و فروش خود را بیشتر میکند " (فصل سوم ، کتاب چهارم ، جلد یک ، صفحه ۳۴۲ به بعد) * مینویسد : اگر کارخانه دار از انترنفرود بیشتر خواهد فروخت ، زیرا که در یگران کمتر فروش خواهند رساند . از اینروی گوتش مدام کارخانه در معطوف به صرفه جویی در کار با مواد خام خواهد بود تا بتواند از انترازد یگر کارخانه در ان بفروشد . از آنجاکه مواد خام نیز بنوعی خود محصول کار گذشته میباشد ، صرفه جویی وی در نهایت بصرف کار کمتری برای تولید همان محصول منجر میشود ، " بدون شك كوشش کارخانه در انفرود معطوف به گاهش کارگران نبوده " بلکه . . . " تولید بیشتر است ، بالغرض اوقاد ریاین کار باشد : او با گاهش قیمت با خریداران را از دست رقبای خود بیرون خواهد کشید . " نتیجه ملی این چه خواهد بود ؟ " در یگر کارخانه در ان روش تولید اولی را تقلید خواهند کرد و این باین منتج خواهد شد ، که قلان با بهمان کارخانه در ، به همان نسبتی که با ما شین جدید به بار آوری نیروی کار میافزاید ، مجبوریه اخراج بخشی از کارگران خود شود . اگر صرف بلا تغییر مانده و همان کار توسط یک در هم

* کلیه اقوال آتی نیز اگر مشخصا قید نشود - از چاپ فوق الذکر اصول نوین آورده میشوند .

نیروهای کار انجام گیرد ، در این صورت کارگران مذکورند در هم درآمد خود را از دست
 داده و بهمان نسبت نیز صرف متنوع وی کاهش خواهد یافت بدین ترتیب
 حاصل اختراعات - اگر ملت فاقد بازرگانی خارجی باشد و صرف بلا تغییر بماند
 خسارتی برای همگان خواهد بود . درآمد ملی کاهش خواهد یافت و در سال بعد
 کاهش صرف عمومی را موجب خواهد گشت . " (يك - ۳۴۴) و باید چنین باشد :
 از آنجا که کار خودی خود جز " مهمی از درآمد را تشکیل میدهد ، " (سیمونندی
 در سفره راه نظر دارد) ، " نمیتوان از میزان تقاضای کارگاست ، بدون اینکه ملت
 را فقیرتر کرد . از اینرو فایده ای که از کشف یک روش تولیدی جدید انتظار میرود
 تقریباً همیشه متوجه تجارت خارجی است . " (يك - ۳۴۵)

خواننده میبند که همین جملات بنهایی ، تمام " تئوری " آشنای به " تنگ
 شدن بازار داخلی " بوسیله " تکامل سرمایه داری و ضرورت یک بازار خارجی نتیجه
 از این راه بردارند . سیمونندی در قعات مکرر باین فکر خود باز میگردد ، زیرا که بنا
 آن هم تئوری بحران وهم " تئوری " جمعیت خود را پیوند میدهد باین فکر آموزش وی
 همانقدر تعیین کننده است . که در آموزش نارود نیکی های روسی .

بدیهی است که سیمونندی ، اینرا که ورشکستگی و بیکاری در مناسبات نوین
 با افزایش " ثروت تجاری " همراه است ، و اینکه باید از تکامل تولید بزرگ ، سرمایه داری
 سخن گفت ، نادیده نگرفته است . او اینرا بخوبی درک کرده و مدعی بود که با رشد
 سرمایه داری بازار داخلی کوچک تر میشود . " همانقدر که برای خوشبختی مردمی
 تفاوت نیست ، که آیا آسایش و تعول و مصرف همگان کمابیش مساوی است ، و یا در حالی
 که توده به سطح حداقل نیاز تنزل داده شده ، تعداد معدودی در رفور سرسبزند
 همانقدر هم این در نوع توزیع درآمد و رشد ثروت تجاری * بی تفاوت نمیباشد
 در مصرف باید به گسترش روز افزون بازار مولد بین بیانجامد ، و برعکس نابرابری آن تنگ
 شدن بازار را موجب میگردد . " (يك - ۳۵۷)

بنابراین سیمونندی مدعی است ، که بازار داخلی بعلمت توزیع نابرابر ، گسسه
 ذاتی سرمایه داریست ، تنگ میشود ، و اینکه بازار را باید از طریق توزیعی برابر ایجاد

* - تکیه در اینجا و در سایر موارد ، جز در مواردی که خلاف آن قید شود ، از ماست .

نمود . ولی این چگونه تحت سلطه شروت تجاری ، که سیموندی بناگاه بهمان
 کشیده (وی بایست بمیان میکشید ، چه در غیر این صورت از بازاری نمیتوانست سخن
 براند) ، میراست ؟ اینراوی بررسی نمیکند . او چگونه اثبات میکند . که برابری
 مولدین تحت سلطه شروت تجاری ، و این یعنی رقابت بین مولدین مفرد ، میتواند
 پایدار بماند ؟ مطلقاً هیچ گونه . او همینطور اعلام میکند ، که چنین باید باشد .
 او بجای ادامه تحلیل تضادی که بدرستی تبیین کرده ، بتفصیل در این مورد وارد
 سخن میدهد ، که تضادها اصولاً مطلوب نیستند . " از وقتی که واحدهای بزرگ
 زراعی جایگزین واحدهای کوچک شده اند ، شاید سرمایه های بیشتری در زمین
 بکار افتاده و بدین ترتیب ثروت بیشتری از گذشته بین نوده زارعین توزیع شده باشد " .
 (یعنی ، " شاید " بازار داخلی که این خود بوسیله قدر مطلق ثروت تجاری
 تعیین میگردد ، رشد کرده است ؟ - موازی باتکامل سرمایه داری رشد کرده است)
 ولی مصرف يك فاضل منقول اجاره کار با اضافه مصرف پنجاه خانوار فقیر
 روزمزد برای ملت همان ارزشی را ندارد ، که مصرف پنجاه خانوار دهقان که هیچ
 کد ایشان ثروتند نیستند ولی در عین حال از آسایش و منول معینی برخوردارند
 (يك - ۳۵۸) بعبارت دیگر : این میتواند باشد ، که تکامل اجاره کاری برای
 سرمایه داری يك بازار داخلی بوجود آورد . سیموندی اقتصاد دانی را ناسازگار
 منصف تر از آن بود ، که این واقعیت را رد کند . اما ، ا . ا . نویسنده در اینجا
 از تفحص خود دست کشیده و به سادگی يك " ملت " ثروت تجاری را بیک " طبقه "
 دهقانان بدل میکند . کوشش وی برای گذشتن از کار واقعیت نامطلوبی ، که موضع
 خرد و بورژوازی و برادر میکند ، اورابه فراموشی آنچه که حتی خود در پیش گفته بود
 میکشاند ، یعنی اینرا که " اجاره کار " درستابه شکرانه رشد ثروت تجاری از
 " دهقان " منتج شده است . سیموندی میگوید : اولین اجاره کاران زارعین
 ساده ای بودند آنها کماکان دهقان باقی مانده بودند آنها
 برای کارهای مشترک تقریباً هیچگاه روزمزد بکار نگرفته ، بلکه از خدم و وحشی استفاده
 میکنند ، که همواره از میان نظام پر خویش انتخاب کرده ، با آنها در يك سطح قرار
 داشته و بر سر يك میزند امیخوردند و با هم يك طبقه دهقانان را تشکیل
 میدهند . " (يك - ۲۲۱) همه اینها باین میانجامد ، که برای نویسنده این

د هقانك های پد رسالا ربا مرسوم خواران پد رسالا رخویش بقدری فرمیزند ، گنه او بسادگی تغییراتی را که " رشد " ثروت تجاری " در این روابط پد رسالا ری بوجود آورده است ، نادیده میگیرد .

ولی سیموندی بهیچوجه مایل به اعتراف باین نیست . او کماکان براین عقیده است ، که در قوانین ثروت تجاری تفحص میکند و بدون توجه به مشروطیات خود بیکباره مدعی میشود :

" بنابراین ، در نتیجه تمرکز اراضی در دست اقلیتی از مالکین بازار داخلی بیش از پیش تنگ میشود (۱) ، و صنعت برای فروش بیش از پیش به جستجوی بازارهای بیگانه ، که در آنجا تحولات بزرگتری تهدیدش میکنند ، نیازمند میگردد . " (پک - ۳۶۱)

" بنابراین بازار داخلی جز از طریق افزایش و تحول ملی نمیتواند گسترش یابد " (پک - ۳۶۲) در اینجا آسایش و تحول خلق مورد نظر سیموندی است . چه او کمی پیشتر معترف بود ، که با بقای نظام استیجاری آسایش و تحول " طلسم " میسر است .

همانطور که خواننده میبیند نارود نیکی های اقتصاد دان مانیر عیناً همین را میگوید .

سیموندی در اواخر اثر خود در باره باین مسئله میپردازد ، آنهم در کتاب هفتم ، تحت عنوان " جمعیت " ، فصل هفتم " در باره جمعیتی که بعلت اختراع ماشین سازان میشود . "

" وارد کردن نظام استیجاری بزرگ انگلستان بپرستانها ، طبقه " دهقانان اجاره کار را ، که خود کار کرده ولی در عین حال درآمد متناسبی داشتند ، از بین برده است . جمعیت بطور ممتدانه کاهش یافته است ، ولی صرف این جمعیت بمراتب بیشتر از تعداد آن پس رفته است . روز مزدانی که کلیه کارهای زراعی را انجام داده و فقط قوت لایموتی بدست میآورند ، صنایع شهری را آنچنان تشجیع نمیکنند ، که قبلاً دهقانان ثروتمند میکردند " . (نو - ۳۲۷) " تغییرات مشابهی در جمعیت شهرنشین نیز بوقوع پیوسته است تجار و کارخانه داران کوچک از بین میروند و یک کارفرما جای صدها از آنها را ، که رویهم باندازه وی متمول نبودند ، میگیرد . ولی آنها روی هم مصرف کنندگان بهتری بودند تا او . تحمل

پرهزینه و بی تحرک به مراتب کمتری را در صنعت موجب میشود تا تحول متناسب صد خانواری که وی جایشان را اشغال کرده است . (همانجا)

حال این مسئله مطرح است . که این تئوری سیموندی در مورد تنگ شدن بازار داخلی باعث رشد سرمایه داری بکجا میانجامد ؟ باینجا ، که مؤلف آن بدون آنکه کوشش چندانی برای بررسی نزد بکتر مسئله بنماید ، از تحلیل شرایط متناسب و منطبق با سرمایه داری اجتناب ورزید ، (" ثروت تجاری " با اضافه بزرگ کارفرمایی در صنعت و کشاورزی ، زیرا که سیموندی باواژه " سرمایه داری " آشناییست ، این همانی مفاهیم باحق میدهد که از این واژه استفادہ کنیم و از این پس نیز " سرمایه داری " خواهیم گفت) و موضع خرده بورژوازی و پندار گرایانه خرده بورژوازی خود را جایگزین یک تحلیل نمود . تکامل ثروت تجاری و نتیجتاً رقابت با یستی در هفانسان متوسط و هم نوع را با " تحول متناسب " و روابط پدید رساله رانه شان با کارگران زرغی دست نخورده باقی بگذارد .

قابل فهم است ، که این آرزوی خیرخواهانه ملك طلق زهنی سیموندی و سایر رمانتیسیت های " روشنفکر " باقی مانده است ، و هر روز بیشتر و شدید تر از روز پیش با واقعیتی که موجب رشد تضاد ها میشود در تناقض قرار میگیرد ، تمام هائی که ژرفایشان را سیموندی در آن زمان نمیتوانست تشخیص دهد .

بالطبع اقتصاد سیاسی تئوریک ، که در ادامه " تکامل خویش " دنبال کار کلاسیک ها را گرفت ، با وقت تمام همان چیزی را تبیین کرد ، که سیموندی خواهان انکارش بود . اینرا که تکامل سرمایه داری بطور اعم و اجاره کاری بطور اخص موجب تنگی بازار داخلی نشده ، بلکه آنرا بوجود میآورد . تکامل سرمایه داری با تکامل اقتصاد کالائی همراه است . و بهمان نسبت که تولید برای فروش جای تولید خانگی و کارخانه جای کوستار^۳ را میگیرد ، بهمان نسبت نیز برای سرمایه بازار بوجود میآید . " روز مزدانی " که باعث تبدیل " دهقان " به " اجاره کار " از زراعت رانده میشوند ، نیروی کار برای سرمایه را بدست میدهند ، و در عین حال اجاره کاران نیز نقش خریدار فرآورده های صنعت را ایفا مینمایند . اینها صرفاً خرید اموال مصرفی

* منظور ما ر کسب میباشد .

(که قبلاً توسط دهقانان در خانه و یا توسط صنعتگران روستائی ایجاد میشد)
 نبوده . بلکه خرید اربازر تولید ، که با جایگزین شدن واحدهای تولیدی بزرگ
 بجای واحدهای کوچک اجباراً تغییر مییابند ، نیز هستند * ضروریست که بزاین نکته
 آخرتکیه شود ، زیرا که سیموندی همین را نادیده میگیرد ، در قسمتی که نقل
 کردیم "اواز" صرف " دهقانان و اجاره کاران بنوعی سخن میگوید که کوئی صرفاً صرف
 فردی (صرف نان ، البسه و غیره) وجود دارد و کوئی خرید ماشین آلات ابزار
 کار و غیره ، ایجاد ساختمان ها ، انبارها ، کارخانجات و غیره صرف نیستند . البته
 نوع دیگری از صرف ، یعنی صرف مولد ، صرفی که توسط انسان بلکه توسط سرمایه
 و با زیاد تبیین نمود ، که درست همین اشتباه را ، که سیموندی همانطور که خواهیم
 دید ، از آدام اسمیت استنساخ کرده . اقتصاد دانان نارود نیک مانیز تمام و کمال
 پذیرفته اند . *

* * بدین ترتیب هم عناصر سرمایه متغیر (کارگر " آزاد ") و هم عناصر
 سرمایه ثابت ، از جمله وسایل تولیدی که از دست مولدین خریدها خارج
 شده اند ، بوجود میآیند .

* در باره این بخش از آموزه " سیموندی - در باره تنگ شدن بازار داخلی
 بعلمت تکامل سرمایه داری - افروسی هیچ نمیگوید . ما مگر خواهیم دید ، که او
 درست همان نکاتی را نیاورده است ، که موضع سیموندی و رابطه نارود نیکي مسا
 با آموزش وی رابه بارزترین شکلی خصلت نما میسازد .

نظریات سیموندی در مورد درآمد ملی و سرمایه

استدلال سیموندی علیه معن بودن سرمایه داری و تکامل آن بهمین محدود
 نمیشود. او از آموزش خود درباره درآمد نیز همین را استنتاج کرده است. در این
 جا باید گفت که سیموندی تئوری کار - ارزش و سه نوع درآمد - بهره، سود و
 دستمزد کار را تمام و کمال از آدم اسمیت گرفته است. وی حتی در اینجا و آنجا
 میکوشد و در نوع اول درآمد را بعنوان نقطه مقابل نوع سوم عمومیت بخشد. از جمله
 اوگاه ایند و راجع میزند تا در مقابل دستمزد قرار دهد (يك - ۱۰۵ / ۱۰۴) : در
 رابطه با ایند و حتی واژه *mieux-value* (اضافه ارزش) نیز از ذهنش
 در میروند. (يك - ۱۰۳) ولی به استفاده از این واژه نباید پریسها داد. کاری
 که افروسی، وقتیکه میگوید: "تئوری سیموندی به تئوری اضافه ارزش نزدیک
 است"، ظاهر انجام میدهد. (روسکوپه بوگاتستوا" شماره ۸ صفحه ۴۱) در
 واقع سیموندی حتی يك گام نیز فراتر از آدم اسمیت نگذاشت. او نیز میگفت، که
 بهره و سود "تفریق از کار" میباشد، یا بخشی از ارزشی میباشد، که کارگر سه
 محصول ضایع نماید. (رجوع کنید به: "بررسی ماهیت و علل ثروت ملل" به روسی،
 ترجمه بیبیکف، جلد اول، فصل هشتم "درباره دستمزد" و فصل ششم
 "درباره اجزای بهای کالا") فراتر از این سیموندی نیز نرفت. ولی او میکوشد
 این انقسام محصول نو ایجاد را به اضافه ارزش و دستمزد، با تئوری درآمد اجتماعی
 بازار داخلی و تحقق محصول در جامعه سرمایه داری پیوند دهد. این گوشتهای
 سیموندی برای ارزیابی علمی مقام وی و برای روشن شدن رابطه آموزه (دکترین
 ۱-م) وی با آموزه نارودنیکوی های روس بغایت حائز اهمیت است. از اینرو
 سودمند است که به تفصیل آنها پرداخت.

سیموندی، که همه جا مسئله درآمد، رابطه درآمد با تولید، با مصرف و
 با جمعیت را به پیش میکشد، بالطبع مجبوره بررسی مبانی تئوریک مفهوم "درآمد"
 نیز بود. از اینرو همان اوائل اثر وی با سه فصل روز و میشویم، که به مسئله

درآمد اختصاص دارند . (جلد يك ، كتاب دوم ، فصول چهار تا ششم) فصل چهارم ، " چگونه درآمد از سرمایه بوجود میاید " ، به تفاوت بین سرمایه و درآمد مربوط میشود . سیموندی بدون تأمل به نشان دادن رابطه این موضوع با کل جامعه میپردازد . او میگوید : " ولی از وقتیکه هرکس برای همه کار میکرد و تولید همه باید از جانب همه مصرف میشد قائل شدن تفاوت بین سرمایه و درآمد برای جامعه اهمیت فراوان کسب کرده است " (يك - ۸۳) ولی سیموندی احساس میکند ، که قائل شدن تفاوتی اینقدر " مهم " بهمان سادگی که برای يك کارفرمای منفرد ممکن است ، برای جامعه میسر نیست . از اینسروى حرفش را کمی تعدیل کرده میگوید : " بدینترتیب مابه انتزاعی ترین و مشکلترین مسئله اقتصاد سیاسی میرسیم . سرشت سرمایه و درآمد مرتباً در فکر ما مخلوط میشوند . ما میبینیم چیزی که برای یکی درآمد است برای دیگری سرمایه میشود ، و میبینیم که همان شبی ، وقتی که از دستوی بدست دیگر میرسد ، مرتباً نامهای مختلفی بخود میگیرد ، " (يك - ۸۴) یعنی گاه نام " سرمایه " و گاه نام " درآمد " . ولی سیموندی مدعی است که ، " اختلاط این دو در هم اشتباه خواهد بود (leur confusion e. ruineus p477) با وجودیکه قائل شدن تفاوت بین سرمایه جامعه و درآمد آن بسیار مشکل است ، ولی قائل شدن چنین تفاوتی نیز بسیار ضروری است " (يك - ۸۴)

خواننده احتمالاً متوجه شده ، مشکلی که سیموندی از آن سخن میگوید درجه نهفته است : اگر درآمد يك کارفرما سود اوست ، که خرج این پان اموال مصرفی میشود * و اگر درآمد يك کارگر همانا دستمزد وی است ، آیا میتوان با جمع زدن این دو درآمد ها ، درآمد جامعه را بدست آورد ؟ در اینصورت تکلیف سرمایه داران و کارگرانی که مثلاً ماشین آلات تولید میکنند چیست ؟ شکل محصول آنها مانع از بحرف (یعنی مصرف فردی) رسیدن آن میشود . این محصول را نمیتوان با اموال مصرف جمع زد . این محصولات برای آنهاست ، که بشابه سرمایه خدمت کنند . از اینروی این محصولات که برای تولید کنندگان خود درآمدند ، (یعنی در بخشی

* - دقیقتر : آن بخش از سود ، که انباشت نمیشود .

که جایگزین سود و مستمر میشود . (برای خرید سرمایه میشوند . حال چگونه میتوان این کلاف سود ر کم را که مانع ترسیم مفهوم درآمد اجتماعی میشود ، بازگرد ؟ همانطور که دیدیم سیستمی باین مسئله فقط نزدیک شد ، ولی بلافاصله از آن روی برتافت و به اشاره به " مشکل بودن " آن بسند کرد . او بدون شامل اعلام میکند . که " معمول (است) سه نوع درآمد را ، که بهره ، سود و مستمر نام گرفته اند ، پذیرفت ، (یک - ۸۵) و آنگاه شروع به بازگردد آموزش آدم - اصحیت و مورد هر یک از این انواع مینماید . ولی مسئله مطروحه - در مورد تفاوت

در سرمین سرمایه و درآمد - این جواب مینماید . توضیح وی از این پس ، بدون تمییز در قبی درآمد اجتماعی از درآمد فردی ، ادامه مینماید . ولی سیستمی باین مسئله کنارگ داشته شده نزدیک میشود . وی میگوید : همانگونه که انواع مختلف درآمد موجود اند ، " انواع مختلف ثروت " نیز وجود دارند ، (یک - ۹۳) یعنی سرمایه استوار ، ماشین آلات ، ابزار کار و نظایر آنها ، سرمایه گردان که برخلاف اولی سرعت صرف شده و شکل خود را تغییر میدهد ، (بذریه ، مواد خام ، مستمر) و بالاخره درآمد - سرمایه ، که بدون تجدید تولید مصرف میشود . در اینجا برای ما مهم نیست ، که سیستمی تمام اشتباهات آموزش اصحیت درباره سرمایه استوار گردان را تکرار میکند ، یعنی مقولاتی را که به روند گردش متعلق اند ، با مقولاتی که از روند تولید برخاسته اند (سرمایه ثابت و متغیر) درهم میآمیزد . برای مسأله آموزش سیستمی در مورد درآمد جالب توجه است . و در این رابطه او از تقسیم بندی فوق الذکر ثروت به سه نوع ، به استنتاج زیر میرسد :

" لازم بتذکر است ، که این سه نوع ثروت بالتساوی برای مصرف تعیین شده اند زیرا هر آنچه ایجاد شده تنهادر صورتی برای بشر ارزش دارد ، که قادر به استفاده از آن برای ارضای احتیاجات خود باشد ، و این نیز فقط از طریق مصرف میسر است . اما سرمایه استوار فقط بصورت غیر مستقیم مورد استفاده قرار میگیرد و آهستگی مصرف میشود ، تا آنچه را که بشر مصرف خود میرساند ، مجدداً ایجاد کند ؛ (یک - ۹۵ / ۹۴) حال آنکه سرمایه گردان (سیستمی در اینجا این را با سرمایه متغیر یکی می شمارد) به صرف - ماهی - کارگر (یک - ۹۵) تبدیل میگردد . بنابراین صرف اجتماعی برخلاف صرف فردی به دو نوع تقسیم میشود . این

د نوع تفاوت ماهوی با هم دارند . طبیعتاً بحث بر سر اینکه سرمایه استوار
 با هستگی مصرف میشود ، نیست . بلکه بر سر اینست ، که این سرمایه استوار
 بدون اینکه برای یکی از طبقات درآمد (مصرف - مایه) باشد ، مصرف میگردد
 و اینکه این نه مصرفی فردی ، بلکه بار آور است . اما سیستمی اینر انسی بینند
 و از آنجا که احساس میکند ، که در جستجوی تفاوت بین درآمد اجتماعی و سرمایه
 اجتماعی دوباره از مسیر منحرف شده است ، * بانا توانی توضیح میدهد : " این
 حرکت ثروت بقدری انتزاعی است ، و برای درست درک شدن آنچنان وقتست
 متمرکز میطلبید ، که ما انتخاب ساده ترین مثال را مفید میدانیم . " (یک - ۹۵)
 و راستی او " ساده ترین " مثال را انتخاب میکند : یک اجاره کارمند صد گونی
 گندم برداشت کرده است . یک قسم را خود مصرف نموده است . یک قسم بصورت
 بد رو قسم دیگری هم ، برای مصرف کارگرانی که توسط وی مشغول شده اند مورد
 استفاده قرار میگیرد . در سال بعد برداشت این اجاره کاره ۲۰۰ گونی میرسد
 چه کسی آنرا مصرف خواهد رساند ؟ خانواده اجاره کارها همین سرعت نمیتوانند
 افزایش یابد . با استفاده از این مثال (به منتهی درجه بد) سیستمی تفاوت
 بین سرمایه استوار (بد) ، سرمایه گردان (دستزد) و مصرف - مایه اجاره
 کار نشان داده و میگوید :

" ما در یک فامیل سه نوع ثروت را از هم تمیز داریم . حال بگوئیم هر یک از این
 انواع را در رابطه با کل ملت بنگریم و ببینیم که درآمد ملی چگونه از این تقسیم بندی
 بوجود میآید . " (یک - ۹۲) ولی در دنباله " مطلب تنها سخن از این است
 که در جامعه نیز باید همان سه نوع ثروت تجدید تولید شوند : سرمایه استوار ،

* - باین معنی : سیستمی بیشتر تنها سرمایه را از درآمد جدا کرد . اولی برای
 تولید و دومی برای مصرف مورد استفاده قرار میگیرد . ولی در اینجا یک مسئله
 جامعه مطرح است . و جامعه سرمایه استوار را نیز " مصرف " میکند .
 تفاوت قائل شده نیز بگردن میخورند ، آن روند اجتماعی - اقتصادی
 که " سرمایه برای یکی " رابه " درآمد برای دیگری " بدل میازد ،
 ناروشن باقی میماند .

(در این باره سیستموندی تاکید مینماید ، که برای این نیز باید مقدار معینی کار صرف شود ، ولی توضیح نمیدهد ، که چگونه سرمایه استوار با اموال مصرفی مورد نیاز سرمایه داران و کارگرانی که با این نوع تولید سروکار دارند ، مبادله میشود .)
سپس مواد خام ، (که سیستموندی در اینجا جداگانه بآن میپردازد) و بالاخره معاش کارگران و سود سرمایه داران . این همه مطلبی است که فصل چهارم بنا میگوید . روشن است که مسئله درآمد بلا جواب مانده و سیستموندی نه تنها توضیح بلکه حتی مفهوم درآمد را نیز بررسی نکرده است . او اشاره خود به ضرورت تجدید تولید سرمایه استوار جامعه را ، که از نقطه نظر تئوریک بقاییت مهم است ، بلافاصله فراموش کرده و در فصل بعد که موضوع آن " توزیع درآمد ملی بین طبقات مختلف مردم " (فصل پنجم) میباشد ، بدون توضیح قبلی از سه نوع درآمد سخن میگوید . بهره و سود را با هم جمع زده و اعلام میکند که : " درآمد ملی از دو قسمت تشکیل میشود : سود حاصل از ثروت (یعنی بهره و سود به معنی واقعی آنها) و وسایل معاش کارگران . (یک - ۱۰۵ / ۱۰۴) . حتی بیشتر ، او میگوید :

" بدین سوال تولید سالانه ، پانتهای کارهای انجام شده یک ملت در طول سال از دو قسم تشکیل میشود : (یک) قسم سودی است که از ثروت بدست میآید و دیگری توان کار کردن ، که ما آنرا با آن قسم از ثروت ، که صرف معاوضه با این توان میشود ، یعنی وسایل معاش طبقات زحمتکش ، مساوی فرض میکنیم . " بدین ترتیب درآمد ملی و محصول سالانه برابری خود را حفظ کرده و بقا دیری مساوی بنظر میآیند . کل محصول سالانه در طول سال به مصرف میرسد ، قسمی از جانب کارگران که با معاوضه آن با کار خود ، آنرا تجدید تولید کرده و به سرمایه بدل میکنند ، و قسمی از جانب سرمایه داران ، که درآمد خود را با آن معاوضه کرده و آنرا صرف مینمایند . " (یک - ۱۰۵)

بدین ترتیب سیستموندی مسئله " تعایز سرمایه ملی از درآمد ملی را که خود آنقدر مهم و مشکل تشخیص داده بود ، بسادگی کنار میگذارد و آنچه را که خود در چند صفحه پیش گفته بود فراموشی میسپارد . و دیگر متوجه هم نمیشود که با نادیده گرفتن این مسئله در موقعیت بد و نامربوطی قرار گرفته است : چگونه محصول سالانه میتواند به هیأت درآمد مطلقانه مصرف کارگران و سرمایه داران برسد ، حال آنکه

برای تولید سرمایه - دقیقتر گوئیم وسایل تولید - لازم است و ابزار ضروری نیست ؟
اینها باید ایجاد شوند و هر ساله هم ایجاد میشوند ، (امری که سیستمی خود
گمی پیشترید یافته بود) . ولی در اینجا کلیه وسایل تولید ، مواد خام و غیره بناگاه
کمازگ داشته شده ، و تمایز " شکل " بین سرمایه و درآمد با این ادعای کاملاً بسی
رابط ، که محصول سالانه با درآمد ملی مساوی است ، حل میشود .
این تئوری که بر مبنای آن کل محصول جامعه سرمایه داری از دو قسم تشکیل
میشود (۱) سهمیه کارگران (دستمزد یا طبقه دانشواژه امروزه ، سرمایه متغیر)
و سهمیه سرمایه داران (اضافه ارزش) ، نه ویژه سیستمی و نه از اوستیست
او این تئوری را تماماً از ادعای اسمیت گرفته و حتی در مواردی گاهی عقیدت نهاده است .
اشتباهی که کل علم اقتصاد سیاسی متعاقباً (ریکاردو ، میسل ، پروزون ،
رود برتوس) نیز تکرار کرد ، تا اینکه مؤلف " سرمایه " در قسمت سوم جلد دوم آنرا
بر ملاحظه ساخت . مادرش این نشان خواهیم داد ، که وی نظراتش را بر چه مبنایی
استوار میسازد . اینجا همینقدر اشاره کنیم ، که اقتصاد دانان نارود نیکی مانیز این
اشتباه را تکرار میکنند . قرار دادن آنها در کنار سیستمی ویژه از این روی جالب
است ، که آنها نیز از این تئوری اشتباه آمیز همان نتایجی را که سیستمی گرفته
استنتاج میکنند * - باید به بازار خارجی پناه برد ، زیرا که در خود کشور اضافه
ارزش فلسفه تحقق نیست ، و الاخره اینکه بحرانها گویا باین علت بوجود می آیند ، که
تحقق محصول از طریق مصرف کارگران و سرمایه داران ممکن نیست .

* - کاری که سایر اقتصاد دانانی ، که اشتباه ادعای اسمیت را تکرار میکنند ، باطلان
از انجام آن خود داری کردند .

استنتاجات سیموندی از آموزش اشتباه آمیز دو جزه تولید سالانه در جامعه سرمایه داری

برای اینکه خواننده بتواند تصویری از آموزه "سیموندی در کلیت خویش داشته باشد، ابتدا مهمترین استنتاجات سیموندی را از این تئوری نشان داده و سپس به تصحیحی که مارکس از اشتباه اساسی وی در "سرمایه" بدست داده میبرد ازیم، قبل از هر چیز سیموندی از این تئوری اشتباه آمیز آدام اسمیت باین نتیجه میرسد، که تولید باید با مصرف منطبق باشد، و اینکه درآمد تعیین کننده تولید است فصل ششم، "تعیین متقابل بوسیله مصرف و مخارج بوسیله درآمد"، به تشخیص و شرح این "حقیقت"، (که نشان میدهد نویسنده خصلت تولید سرمایه داری را مطلقاً نفهمیده است)، اختصاص دارد. سیموندی اخلاق رفهان صرفه جو را بلاواسطه به جامعه "سرمایه داری" تعمیم داده، و جدا معتقد است، که با ایمن کار آموزش اسمیت را اصلاح کرده است. در همان آغاز اثر خود، در مقدمه (کتاب اول - تاریخ علم)، جایی که در مورد آدام اسمیت سخن میراند، میگوید: اسمیت با این توضیح تکمیل میشود که "صرف تنها هدف انباشت است" (یک - ۵۱) او میگوید: "صرف تعیین کننده درآمد است" (یک - ۱۱۹/۱۲۰)، "درآمد ملی باید تنظیم کننده مخارج ملی باشد" (یک - ۱۱۳). تمام اثر مملو از چنین دعای است.

دو سیمای خصلت نمای دیگر آموزه "سیموندی در رابطه" مستقیم با گفته های بالا قرار دارند: اول عدم اعتقاد به تکامل سرمایه داری بعد از این مرحله که سرمایه داری موجب رشد سریعترین نیروهای مولد میشود و امکان این رشد در دست همانطور که رمانتیسیت های روس "میاومزند"، که سرمایه داری به قدر دادن کار غیره میانجامد.

سیموندی از "اشتباه کسانی که تولید بی حد و مرز را تشویق میکنند" (یک - ۱۲۱)، صحبت میکند. او میگوید: فزونی تولید بر درآمد به سرریز تولید منجر میشود (یک - ۱۰۶). رشد ثروت تنها زمانی سودمند است، که افزایش آن

تد ریجی وناخود متناسب باشد ، زمانی که یکی از بخش های آن با سرعت نامتناسبی تکامل نیابد " (يك - ۴۰۹) . سیسموندی شریف گمان میکند ، که تکامل " نامتناسب " اصولا تکامل نیست . (همانطور که نارود نیکی های مانیز معتقدند)
 وچنین عدم تناسبی ، نه ناشی از قانونمندی نظام اقتصاد ملی موجود وحرکت آن ، بلکه ناشی از " اشتباه " محاصم قانونگزاری و غیره میباشد ، دولت های اروپائیی بدین ترتیب ویشکی مصنوعی از راه نادرستی که انگلستان در پیش گرفته ، تقلید نموده اند . * سیسموندی نظریه ای را که کلاسیکرها عنوان کردند و تئوری مارکس هم آنرا پذیرفت ، مبنی براینکه سرمایه داری موجب تکامل نیروهای مولده میشود ، بکنی انکار مینماید . واین هم بسنده نکرده و میگوید ، هرانباشتی فقط " تد ریجا " - تحقق پذیر است ، و نشان میدهد که اصولا قادر به توضیح روند انباشت نیست . این دو مین سیمای خصلت نمای مهم نظریات وی میباشد .

سخن پراکنی های وی در مورد انباشت به منتهی درجه اعجاب آوراست . " بالاخره در نهایت کل تولید سالانه مورد نظریاتک تولید سالانه سال قبل مبادله میشود " (يك - ۱۲۱) . در اینجا دیگر انباشت کلاً انکار میشود . طبق این گفته رشد ثروت اجتماعی در سرمایه داری باید غیر ممکن باشد . خواننده روسی را این نظریه چندان متعجب نخواهد کرد ، زیرا که - وی اینرا هم از آقای و.و. وهم از آقای ن. - ان شنیده است . ولی سیسموندی بهر حال شاگرد اسمیت بود . او احساس میکند ، که در اینجا دیگر چیزی جزندی میگوید و از اینروی مایل به تصحیح خویش است :

او ادامه میدهد : " اگر تولید تد ریجا رشد نماید ، مبادله سالیانه صرفاً خسارت کوچکی را در هر سال موجب خواهد شد ، واین بنوبه خود بهبود شرایط آتی را موجب میشود . اگر این خسارت کم باشد و درست توزیع شود ، در این صورت

* - مثلا نگاه کنید به دو - ۴۵۷ / ۴۵۶ و بسیار جاهای دیگر . در جای دیگر ماد همین رابطه مثلا نمونه واری خواهیم آورد و خواننده متوجه خواهد شد ، که حتی نوع بیان رمانتیسیم های ما ، نظیر آقای ن. - ان ، نیز کوچکترین تفاوتی با بیان سیسموندی ندارد .

تجدد
 ریاضی

همه کس آنرا بدون شکوه تحمل خواهد نمود ولی اگر عدم تناسب معتاد بهیچسوی
بین تولید جدید و قبلی موجود باشد ، در این صورت سرمایه ها به هد رخواهند رفت ،
مصیبتی رخ داده و ملت بجای پیشروی به قهقرا خواهد رفت * (یکم - ۱۲۱) مشکل
بتوان نظریاتی رمانتیسیم و تصورات خرد و بورژوازی از سرمایه داری را دقیقتر
و رساتر از این عبارات پرطمطراقی ، که نقل شده ، بیان کرد .

نویسندگان کلاسیک ، گرچه قادر به درک روند اجتماعی تولید سرمایه داری -
نشوند ، گرچه نتوانستند خود را از قید اشتباه اسمیت ، مبنی بر تشکیل تولید -
اجتماعی از دو جزه رها سازند ، ولی با وجود این ، این نظریه را فرموله کردند -
که تولید بازار خویش را بوجود می آورد و تعیین کننده مصرف است . آموخته اند که
سود انباشت هر چه بیشتر باشد ، یعنی تولید بیشتر از مصرف افزایش یابد ، بیشتر
است . و امید داریم که تئوری مارکس این نظرات را در مورد انباشت قبول کرده است
چون میدهد ، که هر قدر رشد ثروت سر بهتراشد ، بهمان نسبت تکامل نیروهای
مولد و اجتماعی شدن آنها کامل تر است ، و بهمان نسبت موقعیت کارگران ، واحدی
که اصولاً در یک نظام مشخص اقتصاد ملی بهبودش ممکن است ، بهتر میشود -
رمانتیسیمت ها در سمت خلاف اینرا مدعیند و تمام امید خود را به تکامل خصیصه
سرمایه داری بسته اند ، و از همین روی نیز به بازداشتن این تکامل دعوت مینمایند
از عدم فهم این مطلب ، که تولید بازار را بوجود می آورد ، آموزش مربوط به عدم
امکان تحقق اضافه ارزش ، نیز منتج میگردد . * در آمد از تجدید تولید بر مبنای خرید
ولی خود تولید در آمد نیست ، آن صرفاً نام اینرا بخود میگیرد . (۱۰۰۰۰۰) بنابراین
تفاوت تولید ، یعنی محصول با در آمد تنها لغوی است (۱) . تولید تنها آنگاه مشابه
در آمد عمل میکند ، که تعدی یافته باشد ، آنگاه که هر شیئی تولید شده مصرف
کننده ای ، که آنرا لازم داشته و می طلبد ، بیابد ، * (یکم - ۱۲۱) بدین
ترتیب از یکی ، شمردن در آمد با " تولید " (یعنی هر آنچه که تولید شده است) ،
یکی شمردن تحقق با مصرف فردی منتج میشود . میسومندی دیگر اینرا فراموشی
گسوده ، که تحقق محصولات را نظیر آهن ، ذغال ، ماشین وغیره ، اصولاً وسایل تولید
به گونه دیگری انجام مییابد ، با وجودی که او قبلاً باین شناخت بسیار نزدیک
شده بود . یکی شمردن تحقق با مصرف فردی بالطبع از این آموزش ناشی میشود ،